

## بررسی نقش مداخله گرایانه عزت نفس بر میزان قانون گرایی رانندگان

محمد عباسزاده<sup>۱</sup>، حسین میرزایی<sup>۲</sup>، شهریار بهزاد بصیرت<sup>۳</sup>، شمس کاشانی<sup>۴</sup>

از صفحه ۳۳ تا ۵۶

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۱۲

### چکیده

قانون‌گریزی یکی از مشکلات اساسی جامعه ما است که می‌تواند مشکلات جدی برای یک جامعه به وجود آورد. در پدیدآیی آن عوامل متعددی از قبیل عزت نفس و اعتقادات مذهبی دخالت دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مداخله‌گرایانه عزت نفس در تأثیر گذاری اعتقادات مذهبی بر میزان قانون‌گرایی در بین رانندگان ساکن در مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر میانه مقایسه شده است. روش تحقیق مورد استفاده توصیفی- پیمایشی است. داده‌ها نیز با استفاده از پرسش‌نامه بسته پاسخ گردآوری شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش رانندگان ۱۸-۷۵ سال شهر میانه می‌باشند که ۳۸۱ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق رابطه بین اکثر متغیرهای اصلی تحقیق و میزان قانون‌گرایی را تأیید کرده و در این راستا مشخص شد که متغیر اعتقادات مذهبی از طریق متغیر عزت نفس، تأثیر معناداری بر متغیر قانون‌گریزی داشته است.

### کلید واژه‌ها

قانون‌گرایی (میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی)، عزت نفس، اعتقادات مذهبی، حاشیه‌نشین، غیر حاشیه‌نشین

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز M.abbaszadeh1@yahoo.com
۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، (نویسنده مسئول): h.mirzaei@tabrizu.ac.ir
۳. کارشناس ارشد مدیریت و فرماندهی دانشگاه علوم انتظامی امین
۴. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تبریز Ailin.kashani@gmail.Com

## مقدمه

قانون عبارت از قواعدی است که توسط نمایندگان رسمی و مشروع مردم تهیه می‌شود و از قدرت و ضمانت اجرایی برخوردار است (فکور، ۱۳۷۸، ص ۹۴). مهم‌ترین کارکرد قانون و مقررات، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از سویی و شهروندان با هم از سوی دیگر است. با پیچیده شدن دو نوع تعامل یاد شده، نقش قانون و به تبع آن مفهوم حاکمیت قانون، برجسته‌تر و قابل ملاحظه‌تر شده است. ضمن آنکه در تمام جوامع، قضات از طریق قانون، تأمین‌کننده امنیت و آزادی هستند. قانون تعیین معیارها و ضوابط ثابتی است که برای همگان ایجاد حق و تکلیف می‌کند و افراد جامعه بر اساس آن، روابط خود را تنظیم می‌کنند و به این ترتیب افراد از حقوق خویش آگاه می‌شوند. دستگاه‌های اجرایی بر اساس قانون، حد و مرزها را تعیین و با ابزار و وسایل تسهیل‌کننده یا بازدارنده، افراد جامعه را به اجرای قانون دعوت می‌کنند (جوادی یگانه و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۲).

یکی از عمده‌ترین و محوری‌ترین شاخص‌ها و ویژگی‌های مهم دموکراسی احترام و رعایت قوانین آن است؛ قوانینی که همواره در طول تاریخ مورد توجه همگان بوده است؛ زیرا در صورت نبود قانون و مقررات، افراد جامعه تابع قوای نفسانی خویش قرار می‌گیرند و منافع شخصی خود را به منافع جمع ترجیح می‌دهند. حتی در این میان، افرادی به خاطر رسیدن به اهداف خویش از تمامی امکانات بهره جسته و در هنگام لزوم به نابودی هم‌نوعان خود می‌پردازند. در این صورت، زندگی اجتماعی دیگر قابل تحمل نخواهد بود. این امر اهمیت بنیادی قانون در جوامع را مشخص می‌سازد.

قدمت قانون به معنای عام آن، به مراحل ابتدایی زندگی انسان برمی‌گردد؛ زیرا جامعه قبل از پیدایش دولت و قوانین موضوعه و مدون دارای حقوق فطری و طبیعی بوده است (نجومیان، ۱۳۶۶، ص ۴).

انسان موجودی اجتماعی و مدنی الطبع است. یکی از احتیاجات و لازمه‌های زندگی اجتماعی نظم و امنیت جامعه است. افراد در جریان اجتماعی شدن، هنجارها، ارزش‌ها،

آداب و قوانین جامعه خود را به تدریج فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود قلمداد می‌کنند (قانون‌پذیری). اگر توده مردم با بینش و آگاهی خود به این نتیجه رسیده باشند که رعایت قوانین و مقررات هم به نفع خود آنها و هم به نفع جامعه است، می‌توان گفت قانون‌پذیری در جامعه فراگیر شده است. واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه را تهدید و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می‌شود. همه افراد در بیان و گفتار رعایت و اجرای قانون را مفید می‌دانند؛ ولی در عمل بسیاری از افراد قانون را مراعات نمی‌کنند. افراد معمولاً تا زمانی قانون را قبول دارند که منافع آنها تأمین شود. در همین رابطه، رفتارهای خارج از ضابطه و قانون و نمونه‌هایی از قانون‌گریزی که موجبات آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند، عبارت‌است از: عدم پرداخت عوارض و مالیات‌ها، عدم توجه به قوانین راهنمایی و رانندگی، تشکیل گروه‌های فشار، دزدی‌های کوچک و بزرگ، حق دیگران را نادیده انگاشتن، عدم توجه به حفظ بهداشت خیابان‌ها و اماکن عمومی، عدم توجه به ایجاد آلودگی صوتی، عدم حفظ سلامت اماکن و ابنیه‌ها و آسیب رساندن به اتوبوس‌ها و وسایل نقلیه عمومی، از بین بردن حرمت افراد جامعه و موارد بی‌شمار دیگر که در حال گسترش است (ماهرویی، ۱۳۸۱، ص ۲۵).

قانون‌گریزی یک بیماری مسری است که در حال حاضر، بخش اعظمی از مردم کشور به آن مبتلا شده‌اند. نظم‌پذیری مختص اشخاصی است که حداقل نیازهای طبیعی، فرهنگی و اجتماعی‌شان تأمین شده باشد. نظم‌گریزی مترادف با قانون‌گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، عدم انجام تکلیف، گریز از مسئولیت و وصول مقصود به هر طریق ممکن است.

امروزه هنگام رانندگی یا عبور از خیابان یا در مقام استفاده از تسهیلات حمل و نقل شهرمان، اکثر مردم تنها از دستورات من و خواسته‌های من تبعیت می‌کنند و نه از مقررات راهنمایی و رانندگی. همه ما در عین حال که خود را با دیگران برابر مطرح می‌کنیم، متأسفانه در عمل همیشه خود را برتر می‌شماریم که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: برخی از خودروها به صورت غیرمجاز از خطوط ویژه اتوبوس به ویژه در جهت خلاف حرکت

می‌کنند، همه‌گونه تخلف را برای خود مجاز می‌دانند و برای دیگران غیر مجاز می‌دانند، هنگام روشن شدن چراغ قرمز از تقاطع عبور می‌کنیم اما هنگامی که خود در انتظار چراغ سبز هستیم، به راننده‌ای که به اخطار چراغ زرد اهمیتی نداده و به سرعت از آن عبور می‌کند، هر گونه اعتراض می‌کنیم، وقتی راننده تاکسی یا وسیله نقلیه شخصی خود هستیم موتور سیکلت سواران را بالای ترافیک معرفی می‌کنیم اما زمانی که بر موتور سوار هستیم، تاکسی‌ها و شخصی‌ها را مقصر می‌دانیم، وقتی پیاده هستیم، سواره‌ها را متخلف می‌شماریم و به محض سوار شدن عابران پیاده را جنایتکار می‌دانیم، وقتی به دنبال عمل خلاف خود، با مأمور راهنمایی و برکه جریمه او رو به رو می‌شویم به جای تسلیم شجاعانه و قبول جزای آن با ترس و التماس در جهت مصلحت خویش چانه می‌زنیم (مردی، ۱۳۸۵، ص ۴۶).

در شهر میانه نیز با توجه به مشاهده عدم رعایت قانون به ویژه در حوزه رانندگی از سوی شهروندان این موضوع به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است؛ بنابراین سؤال اساسی این است که تا چه حدی قانون‌گرایی (میزان رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی) در جامعه رواج دارد؟ و نقش مداخله‌گرایانه متغیر عزت‌نفس در تأثیرگذاری متغیر اعتقادات مذهبی به قانون‌گرایی به چه میزان است؟

### پیشینه تحقیق

در تبیین موضوع، از تحقیقات تجربی زیر نیز استفاده شده است:

کلانتیری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان "ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی" به بررسی ارتباط ابعاد فقر با قانون‌گریزی شهروندان پرداخته‌اند و در کل یافته‌های پژوهش نشان داد که قانون‌گرایی زنان و شهروندان متأهل بالاتر از مردان و شهروندان مجرد است. همچنین قانون‌گریزی طبقات پایین نیز نسبت به طبقات متوسط و بالا بیشتر است. قانون‌گرایی به متغیرهای شهروندی، مشارکت اجتماعی، نگرش دینی و نگرش به قانون بستگی دارد؛ به طوری که سطح مشارکت اجتماعی شهروندان همراه با عدم فقر فرهنگی و اجتماعی باشد، به همان میزان نیز قانون‌گرایی آنها بالاتر

است. جامعه آماری بررسی حاضر شهروندان تبریز و حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۶۷۰ نفر بود که نمونه‌ها به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استخراج شدند و گردآوری داده‌ها با پرسش‌نامه و مصاحبه صورت گرفته که عمده‌ترین نتایج آن عبارت است از: ۹۰ درصد از شهروندان در ۶ ماه دوم سال ۸۳ حداقل یکبار قانون‌گریزی کرده‌اند. با این وجود قانون‌گریزی یک آسیب اجتماعی جدی است و با پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان در ارتباط است. طبقه فقیر جامعه شهری میزان قانون‌گریزی بیشتری دارند؛ همچنان که بر اساس مدل رگرسیونی به ترتیب فقر اقتصادی-اجتماعی، فقرنگرشی به قانون، فقر دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی بسترهای مساعدی را برای قانون‌گریزی و توجیه اعمال قانون‌گریزانه فراهم می‌کند.

واحدی، بدری و مصر آبادی (۱۳۸۸) در تحقیقی به "بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان ارومیه" پرداخته‌اند. در این تحقیق جامعه آماری شامل کلیه افراد گروه‌های سنی و جنسی ۲۰ الی ۷۵ ساله در استان آذربایجان غربی بوده (۲۱۴۵۰۱۲ نفر) که ۸۰۰ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و برای گردآوری اطلاعات این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر روش پیمایش است و به این نتیجه دست یافته است که بین قانون‌گرایی یا عمومیت قانون، ترس از مجازات، مذهب فرد و اطاعت از قوانین از روی شناخت و آگاهی رابطه معناداری وجود دارد.

گویدر و همکاران در تحقیقی در سال ۲۰۱۲ با عنوان تأثیر سن و جنسیت بر خود کنترلی در رانندگان به این نتایج دست یافته‌اند: مقید کردن خود به نظم در رانندگی برای اولین بار به عنوان تحقیقی برای متوقف کردن رانندگی افراد مسن در شرایط خطرناک همچون آب و هوای نامناسب و زمان‌های تاریک و شلوغ به منظور کاهش خطرات رانندگی انجام شد. این مقاله بررسی می‌کند که آیا گروه‌های سنی مختلف می‌توانند خود را با رفتارهای مقیدساز در رانندگی وفق بدهند؟ همچنین تأثیر باورهای مؤثر و سودمند در مقیدکردن خود به نظم در رانندگی در بازه‌های سنی مختلف مورد آزمایش قرار گرفته است. داده‌های

مربوط از یک جامعه آماری ۳۹۵ نفره از راننده‌ها جمع‌آوری شده است. رانندگان زن بیشتر از مردها خود را مقید به نظم در رانندگی می‌کنند و البته بیشتر تحت تأثیر منفی احساسات هستند. بررسی تأثیر سن در مقید کردن خود به نظم در رانندگی نشان می‌دهد که رانندگان جوان و پیر امتیاز بیشتری نسبت به رانندگان میان‌سال به دست آوردند. اما، اگر تجربه در رانندگی به عنوان شاخص بررسی لحاظ شود، با افزایش سن مقید کردن خود به نظم در رانندگی افزایش می‌یابد. با این حال، نگرانی و باورهای منفی در رانندگی متغیرهای مستقل رفتارهای مقیدساز بودند. نتایج تحقیق در نهایت نشان می‌دهد که مقید کردن خود به نظم در رانندگی بیشتر تحت تأثیر نگرانی و عزت نفس و اعتماد به نفس کم در رانندگی است و زیاد مرتبط با شاخص سن نیست.

### چارچوب نظری تحقیق

برای تعریف قانون‌گریزی ابتدا باید دو مفهوم هنجار و قانون معنا شود. عمل‌هایی که افراد در تعامل با یکدیگر انجام می‌دهند و قابل قبول اکثریت مردم نیز است را هنجار می‌گوییم. در این بعد، اگر عملی که هنجار است توسط فرد یا گروهی انجام نشود مردم با آن برخورد می‌کنند؛ اما بعضی از هنجارهای قابل قبول از پشتوانه انضباطی و ضمانت اجرایی حکومتی برخوردار است و تخلف از این نوع هنجارها برخورد حکومتی را برای فرد خاطی در پی دارد که این هنجارها قانون را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین تخلف از هنجارها چه آنها که عادات اجتماعی است و چه هنجارهایی که دارای ضمانت حکومتی است، انحراف اجتماعی و کجروی محسوب می‌شود و هر کسی که این قاعده را نقض کند منحرف و کجرو خوانده می‌شود. حال اگر فردی هنجاری را که دارای پشتوانه حکومتی است، نقض کند، قانون‌گریز محسوب می‌شود (علمی، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

این‌گونه افراد گاه از یک هنجار و قانون و گاه از قوانین کلی به تدابیر مختلف سرباز می‌زنند؛ به این افراد قانون‌گریز گفته می‌شود؛ ولی تنها در بعضی از موارد و به صرف تخلف از یک قانون نمی‌توانیم فرد را قانون‌گریز بدانیم و این مسئله که گاه فردی از یک قانون

تخلف کند، برای همه در همه جوامع پیش می‌آید. قانون‌گریزی در واقع جریانی است که به هر دلیلی از قانون سرباز می‌زند، اما با یک مورد تخلف از قانون یا جرم نمی‌توان فرد را قانون‌گریز دانست. برای مثال، فردی که در محصه‌های گوناگون قرار دارد، گاه مجبور می‌شود از یک قانون سرپیچی کند، این فرد قانون‌گریز نیست. قانون‌گریز کسی است که از روی عمد و آگاهانه از قوانین مختلف تخلف می‌کند؛ ولی مجرم کسی است که با تکرار موارد قانون‌گریزی، زمینه آسیب‌های عمده سیاسی- اجتماعی را در جامعه فراهم کند؛ مانند قاچاق مواد مخدر و قتل. بزهکاری نیز شامل نادیده گرفتن عمدی قوانین توسط گروهی از جوانان و نوجوانان است که از نظر قانونی به سن بلوغ نرسیده‌اند (علمی، ۱۳۸۵، ص ۱۲). مفهوم قانون‌پذیری و میزان رعایت قانون در جامعه و عوامل عمده آن از دیدگاه‌های مختلفی قابل بررسی است که به طور اختصار به هر کدام از آنها به شرح زیر اشاره می‌شود.

**۱- رهیافت تربیتی:** در این دیدگاه بر تربیت به‌عنوان ابزار مهمی که در قانون‌پذیر کردن افراد جامعه نقش دارد، تأکید می‌شود. اگر تربیت افراد جامعه از همان دوران کودکی و نوجوانی به شیوه‌ای صحیح و هماهنگ با هنجارهای جامعه صورت گیرد، میزان پذیرش قانون در مراحل بعدی زندگی افراد بیشتر خواهد بود. تربیت قادر است انسان‌هایی هنجارمند و قانون‌پذیر به جامعه تحویل بدهد. هر گونه دوگانگی و تضاد بین نظام تربیتی و اخلاقی خانه و مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی موجب تعارض‌های شخصیتی می‌شود.

**۲- رهیافت اجتماعی:** این نوع نگرش درجه قانون‌پذیری افراد و میزان رعایت قانون در جامعه را در ارتباط ساخت اجتماعی، نهادهای اجتماعی و هنجارهای موجود در جامعه بررسی می‌کند. ساخت اجتماعی، شبکه‌ای از موقعیت‌ها یا منزلت‌هایی است که مردم را در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهد. فرهنگ، زبان و ارتباط به عنوان عناصر اساسی ساخت اجتماعی هستند که برای فهم کنش‌های اجتماعی، شناخت آنها و روابط میانشان ضروری است. نگرش ساختاری، افراد جامعه را به عنوان موجوداتی می‌بیند که تحت تأثیر و نفوذ ساخت اجتماعی قرار دارند که خود آنها نیز به عنوان جزئی از آن به شمار می‌روند.

**۳- رهیافت فرهنگی:** فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از آداب، رسوم، ارزش‌ها، فنون و کلیه

دستاوردهای مادی و غیر مادی افراد جامعه است. در این دیدگاه فرهنگ به معنای اعم نگریده شده و بر اولویت آن در فرآیند قانون پذیری افراد جامعه تأکید شده است. اگر جریان فرهنگی شدن افراد جامعه، به شیوه‌ای درست انجام گرفته باشد، به گونه‌ای که آنها احساس تعهد در مقابل جامعه و ارزش‌های آن داشته باشند، اجازه تخطی و عدول از قوانین جامعه را به خود راه نمی‌دهند. صاحب‌نظران این رهیافت معتقدند که علل ضعف رعایت قانون در جامعه و سایر ناهنجاری‌ها را باید در گسیختگی فرهنگ جامعه جست‌وجو کرد.

**۴- رهیافت شخصیتی و روانی:** بسیاری از روان‌شناسان درجه قانون‌پذیری افراد جامعه را در ارتباط با ویژگی‌های شخصیتی آنان مطالعه می‌کنند. هر چقدر میزان آگاهی و شعور افراد جامعه بیشتر باشد، به همان اندازه در قانون‌پذیری و رفتارهای هنجارمند آنان تأثیر خواهد داشت. صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند که به منظور رعایت قانون در جامعه و بروز رفتارهای عادی باید در سازمان افکار و نگرش افراد جامعه تغییرات مثبتی صورت گیرد.

**۵- رهیافت حقوقی و اداری:** برخی متفکران معتقدند که علل ضعف رعایت قانون در جامعه را باید در نظام حقوقی و اداری جامعه جست‌وجو کرد. اگر سیستم قضایی و حقوقی جامعه نتواند عدالت اجتماعی را در جامعه به وجود آورد یا موجب تبعیض میان افراد جامعه شود، خود عامل اساسی قانون‌شکنی است. "ملوین سیمون" در تبیین زمینه‌ها و قانون‌شکنی می‌نویسد: "ساختار بوروکراسی جامعه مدرن شرایطی را ایجاد کرده است که انسان‌ها قادر به فراگیری نحوه کنترل عواقب و نتایج اعمال و روش‌های خود نیستند. نحوه واپایش و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد ارتباطی را بین رفتارهای خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند ایجاد کند. در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی از جامعه بر فرد مستولی شده و او را به کنش منفعلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه و ارزش‌های آن سوق می‌دهد" (فخرایی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵).

به منظور پی‌بردن به میزان قانون‌پذیری افراد جامعه و درجه سازگاری آنها با قوانین و مقررات موجود، شاخص‌های مختلفی وجود دارد. با توجه به گستردگی دامنه قانون‌پذیری، این شاخص‌ها در ابعاد گوناگون فرهنگی، شخصیتی و روانی، اجتماعی و حقوقی قابل



مطالعه است. در این جابه چند مورد از عمده‌ترین آنها به صورت زیر اشاره می‌شود:

**الف) نگرش مثبت به قانون:** یکی از اهداف اجتماعی شدن، ایجاد آرزو و امید یا به عبارت دیگر ایجاد "نگرش" در فرد است. از آنجا که ابتدای هر عمل و رفتاری از ذهن شروع می‌شود، برای اجرای قانون و پایبندی عملی به آن باید جامعه نگرش مثبتی به آن داشته باشد. نگرش مثبت به قانون افکار و شخصیت افراد را متأثر ساخته و نمود عینی خود را در رفتارهای آنها پیدا می‌کند.

**ب) کاهش ارتکاب جرائم:** یکی از شاخص‌های عمده قانون‌پذیری در هر جامعه، میزان ارتکاب جرائم است. قانون‌پذیری یک دفاع اجتماعی را در مقابل جرائم و بزهکاری به وجود می‌آورد.

**ج) افزایش مشارکت اجتماعی:** می‌توان گفت که بین قانون‌پذیری و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. افرادی که درجه قانون‌پذیری آنها بیشتر است، معمولاً در بسیاری از امور اجتماعی عام‌المنفعه مشارکت پیدا می‌کنند. باید توجه داشت که ارزش‌های فرهنگی پیش نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می‌شوند.

**د) بالا بودن انسجام اجتماعی:** در جامعه ای که افراد آن احترام به قانون و رعایت آن را برای خود یک فریضه به حساب می‌آورند، می‌توان درجه بالایی از انسجام اجتماعی را در آن جامعه مشاهده کرد. روح همکاری با ساخت نیرومند جامعه و رقابت و فردگرایی با ساخت ضعیف جامعه همراه است.

**و) تثبیت نظام حقوقی:** نظام حقوقی عبارت از مجموعه مقررات، آیین نامه‌ها، قواعد و ضوابطی است که اجرای آنها موجب بقا و استمرار نظم اجتماعی می‌شود. هر چه درجه آزادی قانون‌پذیری افراد جامعه بیشتر باشد، حاکمیت نظام حقوقی و تثبیت کارکردهای آن تسهیل می‌شود (محسنی، ۱۳۸۴، ص ۶).

نظریه کنش متقابل اجتماعی در سنت روان‌شناسی اجتماعی "جرج هربرت مید" و "چارلز هورتون کولی" به چگونگی شکل یافتن تصور از خود اهمیت می‌دهد. در این مورد، در شکل‌گیری تصور از خود به عنوان فردی بزهکار یا مجرم، جامعه و نهادها

وسازمان‌های رسمی نقش اساسی دارند. رفتار اجتماعی انسان، اعم از رفتار بهنجار یا نابهنجار، در کنش متقابل اجتماعی بر اساس یک عمل دوجانبه و متقابل شکل می‌گیرد. هسته این نظریه "خود" است که به عنوان یک محصول اجتماعی همیشه ظاهر می‌شود و از مشارکت در فرآیند تعامل‌های اجتماعی استنتاج می‌شود و در این میان هویت فرد به کنش‌های متقابل پایدار بین خود و دیگران وابسته است و از طریق کنش متقابل با دیگران ایجاد و حفظ می‌شود. نظریه کنش متقابل به طور عام در تلاش برای پاسخگویی به این سؤال‌هاست که چگونه فرد خود را ارزیابی می‌کند؟ و چگونه این ارزیابی با تعاریف دیگران هم‌نوا می‌شود؟ ارزیابی‌های منفی از هویت اجتماعی فرد ممکن است پاسخ رفتار بزهکارانه و مجرمانه فردی را به همراه داشته باشد (محسنی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰). "هیرشی" عمل کج‌روی را ناشی از فقدان کنترل اجتماعی می‌داند. وی استدلال می‌کند آنانی که پیوند قوی با جامعه دارند از شکستن قواعد و معیارهای آن خودداری می‌کنند و آنهایی که با هنجارهای جامعه پیوندی ضعیف دارند یا هیچ پیوندی با آنها ندارند، برای کج‌روی مستعدتر و آزادتر هستند (واحدی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

در نظریه‌های کنترل اجتماعی فرض شده که همه به طور طبیعی انگیزه ارتکاب کج‌رفتاری را دارند و نیاز به تبیین این انگیزه‌ها نیست، بلکه آنچه نیاز به توضیح و تبیین دارد، هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی است. هیرشی مهم‌ترین صاحب‌نظر این رویکرد است که علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی واپایش رفتارهای فرد است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۵).

او چهار عنصر اصلی دلبستگی، سرسپردگی، درگیری، ایمان را باعث پیوند فرد و جامعه می‌داند:

۱- **دلبستگی:** دلبستگی به افراد و نهادهای اجتماعی یکی از شیوه‌هایی است که فرد را از طریق آن به جامعه پیوند می‌دهد. ضعف چنین پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کج‌رفتاری آزاد بداند.

۲- **سرسپردگی (تعهد):** افراد جامعه در دستیابی به هدف‌هایی مانند تحصیل، کار، خانه

دوستان و... که برای آنها سرمایه‌گذاری کرده‌اند و وقت و انرژی خود را برای آن صرف کرده‌اند، بیشتر به فعالیت‌های متداول زندگی تعهد دارند و از این رو به منظور موقعیت و پایگاه اجتماعی که با تلاش خود به دست آورده‌اند، کجرفتاری نمی‌کنند.

**۳- درگیری:** معمولاً کسانی که درگیر کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی، مشارکت اجتماعی و... هستند کمتر فرصت پیدا می‌کنند که هنجارشکنی کنند. کسی که بیکار و عاطل و باطل است بیشتر به کجرفتاری روی می‌آورد.

**۴- اعتقاد:** آخرین مولفه نظریه پیوند اجتماعی ایمان یا اعتقاد است. هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی هر چه ضعیف‌تر باشد، احتمال کجرفتاری از افراد می‌رود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی را برای هم‌نوابی با قوانین رسمی و غیررسمی برای خود متصور نیست (ستوده، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹).

"دورکیم" در اثرش "اشکال ابتدایی حیات دینی" تعریفی اجتماعی از دین به دست می‌دهد: دین نظامی است همبسته، متشکل از اعتقادات و اعمالی در برابر موجودات مقدس، یعنی مجزا و ممنوع التماس، این اعتقادات تمام کسانی را که بدان می‌پیوندند متحد می‌کند و پایه‌گذار اخلاق اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۶۸۱).

دین از نظر دورکیم یک نیروی اجتماعی محسوب می‌شود که به صورت تعهدات اخلاقی رفتار و کردار آدمی را واپایش می‌کند. به عقیده او دین اساس یکپارچگی اجتماعی را تشکیل داده و مهم‌ترین کارکرد اجتماعی است. دورکیم دین را پدیده اجتماعی دانسته و می‌نویسد: دین عبارت است از یک نظام متشکل از عقاید که افراد را تحت سازمان اجتماعی خاصی به هم نزدیک و متشکل می‌کند؛ بنابراین آنچه برای دورکیم اهمیت داشته ماهیت یا شکل خاصی از دین نبوده بلکه نقش دین به عنوان نیروی متشکل‌کننده اجتماعی بوده است (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۳، ص ۷۳).

دورکیم جامعه را سرچشمه دین می‌انگارد و معتقد است که ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جوامع به صورت اعتقادات مذهبی تجلی می‌یابند؛ تا جایی که می‌نویسد: دین همان

شیوه‌ای است که جامعه از طریق آن خودش را به صورت یک واقعیت اجتماعی غیر مادی متجلی می‌سازد (ریترز، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

علاوه بر اینکه دورکیم بر کارکردهای دین در انضباط بخشی و حفظ میراث اجتماعی گروه و پدید آوردن احساس خوشبختی در مؤمنان تأکید کرده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۵۴). دین نظامی از باورداشت‌ها و مفاهیم نیست، بلکه نظام کنش نیز هست و در برگیرنده مناسک عملی است. اهمیت و نقش مناسک در دین از منظر او: دین در واقع زاییده مناسک است. از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می‌شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شوند. بدین سان مناسک، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند (همیلتون، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷).

"هاری آلپر" پژوهشگر دورکیمی، چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم به عنوان نیروهای اجتماعی انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوشبختی‌بخش طبقه‌بندی کرده است. آیین‌های مذهبی از طریق تحمیل انضباط بر نفس و قدری خویشتن‌داری، انسان‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازند. تشریفات مذهبی مردم را گرد هم می‌آورند و بدین سان پیوندهای مشترک‌شان را دوباره تصدیق می‌کنند و در نتیجه همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشند (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۳، ص ۲۰).

پایبندی به اصول اخلاقی و دین باوری از جمله مهم‌ترین عواملی است که آحاد خود را در برابر تمایلات نفسانی، یأس و خوی تجاوز به حقوق دیگران که عامل بسیاری از حوادث و معضلات اجتماعی است حفظ می‌کنند. اگر اعتقادات مذهبی و تقوا، در آحاد جامعه ریشه داشته باشد و رفتار و منش آنها را تحت الشعاع قرار دهد دیگر نیازی به کنترل‌های بیرونی نیست؛ ولی هرگاه این موضوع، به عنوان یک بازدارنده و خود کنترلی تضعیف شود، نیاز به کنترل‌ها و مراقبت‌های بیرونی افزایش می‌یابد. اعتقادات از جمله عواملی است که رعایت آن باعث کاهش ناهنجاری‌ها و در نتیجه کاهش انحرافات می‌شود. اعتقادات مذهبی از ابتدای کودکی با تربیت مذهبی افراد ارتباط نزدیکی دارد. نتیجه اینکه، پرورش

مذهبی بزرگ‌ترین عامل بازدارنده از انحرافات است (محققان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱-۱۳۹).

اعتقادات مذهبی اهرم کارآمد استحکام و دوام بخشیدن به همبستگی اجتماعی است و نقش خود کنترلی خود را با تقویت ارزش‌ها و هنجارها در بین پیروان خود به شکل موثری ایفا می‌کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد بین اعتقادات مذهبی و عمل به قانون رابطه معناداری وجود دارد (واحدی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

همه انسان‌ها صرف‌نظر از جنسیت، سن و زمینه‌های فرهنگی، در جهت نوع و کاری که در زندگی دارند نیازمند عزت نفس هستند. در واقع عزت نفس واقعاً در همه سطوح زندگی انسان اثر می‌گذارد. "مسئله عزت نفس از مهم‌ترین عوامل در رشد مطلوب شخصیت افراد است. برخورداری از اراده، اعتماد به نفس قوی، قدرت تصمیم‌گیری، ابتکار، خلاقیت، سلامت فکر و بهداشت روانی ارتباط مستقیمی با عزت نفس و احساس خود ارزشمندی فرد دارد" (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۲۴).

اگر عزت نفس را در یک طیف مد نظر قرار دهیم، افراد با عزت نفس بالا به افرادی اطلاق می‌شود که ویژگی‌های مثبتی چون خلاقیت بالا، احساس خوشبختی بیشتر، طول عمر بیشتر و توان بالا در رویاوی با چالش‌ها دارند؛ در حالی که افراد با عزت نفس پایین، افرادی افسرده، اندوهگین، ناامید و سهل‌انگار هستند (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۷ به نقل از محمد پور، ۱۳۹۰، ص ۷۰).

"مکی واسمیت" درباره عزت نفس بیان می‌کنند: عزت نفس یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار انسان به شمار می‌رود. در حقیقت برداشت و قضاوتی که افراد از خود دارند تعیین‌کننده چگونگی برخورد آنها با مسائل مختلف است. فردی که عزت نفس پایین دارد برای خود احترام و ارزشی قایل نیست، ممکن است دچار انزوا، گوشه‌گیری یا پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی شود. عزت نفس را می‌توان مجموعه‌های از افکار، احساسات، عواطف و تجربه‌ها تصور کرد که در فرآیند زندگی اجتماعی شکل می‌گیرند. مجموعه هزاران برداشت، ارزیابی و تجربه‌ای که فرد از خود دارد، باعث می‌شود که نسبت به خود احساس خوشایند، ارزشمند بودن یا برعکس آن را داشته باشد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

عزت نفس به معنای تأیید خود و داشتن احساس ارزشمندی خود است. افراد اغلب تمایل دارند نگرش منفی به خود را به حداقل و نگرش مثبت به خود را به حداکثر برسانند. وقتی هر احساس واقعی یا ذهنی نسبت به خود خراب شود افراد راهبردهایی برای اینکه تصور خود را بهبود بخشند انجام می دهند. انسانی که عزت نفس پایین دارد ممکن است عدم رعایت قانون را به منزله جایگزینی برای توسعه احساساتی نظیر عزت نفس بیابد (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵).

برای اینکه افراد بتوانند از حداکثر ظرفیت ذهنی و توانمندی های بالقوه خود بهره مند شوند، می بایست از نگرش مثبت نسبت به خود و محیط اطراف برخوردار باشند. رفتار ضد اجتماعی و پرخاشگری در حد گسترده ای میان افراد دیده می شود که خسارت و زیان های عمده روحی و مادی به بار آورده است و سلامت روانی آنان را به خطر می اندازد. جوامع امروزی بیش از هر زمان دیگری با این گونه رفتارها مواجه بوده و می بایست درصدد چاره اندیشی باشند (ذبیحی، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

### فرضیه های تحقیق

- بین عزت نفس و میزان قانون گرایی رانندگان حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین رابطه وجود دارد.
- بین اعتقادات مذهبی و قانون گرایی رانندگان حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین رابطه وجود دارد.
- اعتقادات مذهبی از طریق تأثیر گذاری بر متغیر عزت نفس بر میزان قانون گرایی تأثیر گذار است.

### روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت و هدف، کاربردی و روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی است. ابزار گردآوری داده ها پرسش نامه محقق

ساخته می‌باشد. جامعه آماری بررسی حاضر شامل رانندگان ساکن در مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین ۷۵-۱۸ سال (بالغ) شهر میانه است که تعداد دقیق آنها بر اساس آمار به دست آمده ۶۷۹۱۴ نفر است. حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (از انواع غیر احتمالی) تعداد حدود ۲۰۰ نفر از مناطق حاشیه‌نشین و ۲۰۰ نفر از مناطق غیر حاشیه‌نشین انتخاب شد.

در این تحقیق برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری و پایایی تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

جدول ۱: پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
قانون‌گرایی	۲۵	۰/۹۴
اعتقادات مذهبی	۱۶	۰/۷۶
عزت نفس	۹	۰/۶۰

### یافته‌های تحقیق

از کل نمونه آماری ۱۷/۹ درصد را زنان و ۸۲/۱ درصد از پاسخگویان را مردان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی به دست آمده برای رانندگان حاشیه نشین ۳۱/۶۴ و رانندگان غیر حاشیه نشین ۳۷/۳۷ درصد است. از کل رانندگان حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین ۱۹/۵ درصد شغل خود را دولتی، ۶/۶ درصد خانه‌دار، ۴۴/۲ درصد آزاد، ۰/۵ درصد کارگر یدی و ۳/۷ درصد به کارگر صنعتی و کارمند بخش خصوصی، ۱۴/۲ درصد هم به سایر اشاره کرده‌اند. از کل رانندگان حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین ۳۱/۸ درصد مجرد و ۶۷/۶ درصد هم متأهل هستند که این نشان می‌دهد تعداد افراد متأهل در نمونه ما بیشتر از افراد مجرد است. بیشترین درصد رانندگان حاشیه نشین مقطع تحصیلی خود را دیپلم اعلام کرده‌اند و

بیشترین درصد رانندگان غیر حاشیه نشین مقطع تحصیلی خود را لیسانس عنوان کرده‌اند. از کل پاسخگویان ۴۸/۹ درصد حاشیه نشین و ۵۱/۱ درصد هم غیر حاشیه نشین بودند.

- میانگین اعتقادات مذهبی در بین رانندگان حاشیه نشین ۴۹/۵۶ و در بین رانندگان غیر حاشیه نشین ۴۷/۶۹ است که بالاتر از حد متوسط است.
- میانگین عزت نفس در بین رانندگان حاشیه نشین ۲۶/۴۹ و در بین رانندگان غیر حاشیه نشین ۲۸/۱۲ است که بالاتر از حد متوسط است.
- میانگین میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در بین رانندگان حاشیه نشین ۶۶/۳۳ و در بین رانندگان غیر حاشیه نشین ۷۶/۰۵ بوده که بالاتر از حد متوسط است.

**رابطه بین اعتقادات مذهبی و میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی:** برای آزمون همبستگی بین متغیرهای اعتقادات مذهبی با میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در رانندگان حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد: بین متغیرهای اعتقاد مذهبی با میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در رانندگان حاشیه‌نشین رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش اعتقادات مذهبی میزان رعایت قوانین نیز افزایش می‌یابد؛ اما این رابطه در رانندگان غیرحاشیه‌نشین تأیید نشد. در مجموع نیز با افزایش اعتقادات مذهبی، فارغ از محل سکونت، میزان رعایت قوانین افزایش می‌یابد.

جدول ۲: آزمون همبستگی بین اعتقادات مذهبی و میزان رعایت قوانین به تفکیک منطقه سکونت

متغیرها	حاشیه‌نشین	غیر حاشیه‌نشین	کل
اعتقادات مذهبی	۰/۴۲۴	۰/۱۳۸	۰/۲۲۲
و میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی	۰/۰۰۰	۰/۰۷۸	۰/۰۰۰
همبستگی پیرسون	۱۴۰	۱۶۴	۳۰۴
سطح معناداری	رابطه مستقیم	رابطه وجود ندارد	رابطه مستقیم
تعداد			
نوع رابطه			



**عزت نفس و میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی:** برای آزمون همبستگی بین متغیرهای عزت نفس با میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در رانندگان حاشیه نشین و غیرحاشیه نشین، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین عزت نفس و میزان رعایت قوانین، در نمونه مورد بررسی رابطه معنادار وجود دارد. در واقع با افزایش عزت نفس، میزان رعایت قوانین نیز افزایش می یابد. میزان همبستگی بین عزت نفس و میزان رعایت قوانین در بین رانندگان حاشیه نشین  $0/426$  و در بین رانندگان غیرحاشیه نشین  $0/198$  است که این نشان می دهد که رابطه از نوع مستقیم است.

جدول ۳: آزمون همبستگی بین عزت نفس و میزان رعایت قوانین به تفکیک منطقه سکونت

متغیرها	حاشیه نشین	غیر حاشیه نشین	کل
عزت نفس و میزان رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی	همبستگی پیرسون	$0/426$	$0/356$
	سطح معناداری	$0/000$	$0/000$
	تعداد	۱۴۴	۳۰۷
	نوع رابطه	رابطه مستقیم	رابطه مستقیم

**نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر:** با توجه به اطلاعات به دست آمده در جدول ۴ نتایج حاصله حاکی از آن است که از مجموع متغیرهای مستقل مورد استفاده در این پژوهش ۲۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته قانون گرایان در منطقه حاشیه نشین و حدود ۵ درصد در منطقه غیرحاشیه نشین و در مجموع حدود ۱۳ درصد متغیر وابسته را تبیین می کند و بقیه به عواملی بر می گردد که در این پژوهش مورد سنجش قرار نگرفته است. نتیجه آزمون دوربین واتسون در تحقیق حاضر  $1/958$  است که بیانگر این است که خطاها یا باقی مانده ها برای این مدل رگرسیونی مستقل از هم است.

جدول ۴: آماره‌های مربوط به تحلیل رگرسیونی میزان رعایت قوانین

دوربین واتسون	اشتباه معیار	ضریب تبیین تصحیح شده	ضریب تبیین	ضریب همبستگی R	منطقه سکونت
۲/۱۹۱	۱۴/۷۲	۰/۲۱۲	۰/۲۲۴	۰/۴۷۴	حاشیه نشین
۲/۱۰۱	۱۵/۲۳	۰/۰۵۴	۰/۰۶۶	۰/۲۵۷	غیر حاشیه نشین
۱/۹۷۵	۱۵/۵۲	۰/۱۳۸	۰/۱۴۴	۰/۳۷۹	کل

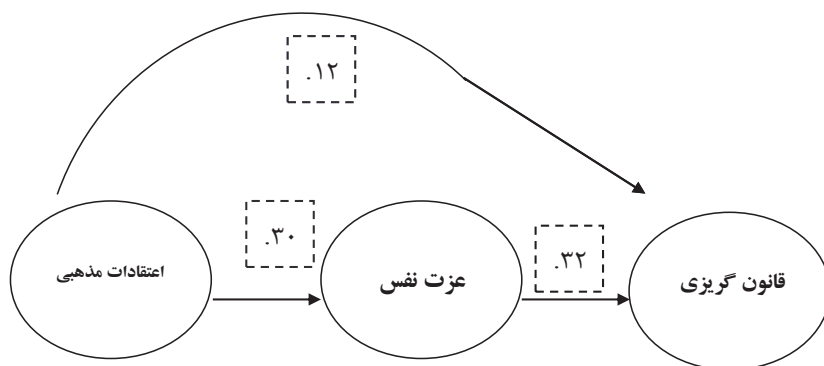
جدول ۵ بیانگر ضرایب  $b$  و بتا متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته است و نشان می‌دهد که ورود هر یک از متغیرهای جدید چه تاثیری بر ضرایب سایر متغیرها دارد. با توجه به جدول زیر به این نتیجه می‌توان رسید که در مناطق حاشیه نشین متغیر عزت نفس با  $Beta = 0/274$  بیشترین و متغیر اعتقادات مذهبی با  $Beta = 0/263$  کمترین مقدار واریانس میزان قانون گرایی را تبیین کرده است و در مناطق غیر حاشیه نشین نیز عزت نفس  $Beta = 0/220$  بیشترین واریانس میزان قانون گرایی را تبیین کرده و در مجموعه نیز عزت نفس  $Beta = 0/325$  بیشترین و اعتقادات مذهبی  $Beta = 0/121$  کمترین مقدار واریانس قانون گرایی را تبیین کرده است.

جدول ۵: آماره‌های مربوط به متغیرهای باقی مانده در مدل

sig	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۳۸	۲/۰۹۸	-	۸/۳۰۳	۱۷/۴۲۰	عرض از مبدأ
۰/۰۰۴	۲/۹۱	۰/۲۷۴	۰/۳۳۴	۰/۹۷۲	عزت نفس
۰/۰۰۰	۴/۵۰	۰/۲۶۳	۰/۱۶۹	۰/۴۷۱	اعتقادات مذهبی

۰/۰۰۰	۳/۷۰۹	-	۱۰/۹۶	۴۰/۶۶۲	عرض از مبدأ	غیر حاشیه نشین
۰/۰۰۶	۲/۷۷۱	۰/۲۲۰	۰/۳۵۱	۰/۹۷۱	عزت نفس	
۰/۱۵۴	۱/۴۳۱	۰/۱۱۳	۰/۱۱۹	۰/۱۷۰	اعتقادات مذهبی	
۰/۰۰۰	۳/۸۰۳	-	۶/۸۲۷	۲۵/۹۶۴	عرض از مبدأ	کل
۰/۰۰۰	۵/۶۱۲	۰/۳۲۵	۰/۲۳۳	۱/۳۰۹	عزت نفس	
۰/۰۳۷	۲/۰۹۴	۰/۱۲۱	۰/۰۹۷	۰/۲۰۴	اعتقادات مذهبی	

نتیجه دیگر اینکه بر اساس نمودار شماره ۱، مشخص می شود که متغیر اعتقادات مذهبی از طریق متغیر عزت نفس، تأثیر معناداری بر متغیر قانون گریزی داشته است.



نمودار ۱: نحوه تأثیر گذاری متغیر اعتقادات مذهبی بر قانون گریزی از طریق متغیر عزت نفس

### نتیجه گیری

قدمت قانون به معنای عام آن، به مراحل ابتدایی زندگی انسان برمی گردد؛ زیرا جامعه قبل از پیدایش دولت و قوانین موضوعه و مدون دارای حقوق فطری و طبیعی بوده است. انسان موجودی اجتماعی و مدنی الطبع است. یکی از احتیاجات و لازمه های زندگی

اجتماعی نظم و امنیت جامعه است. افراد در جریان اجتماعی شدن، هنجارها، ارزش‌ها، آداب و قوانین جامعه خود را به تدریج فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود قلمداد می‌کنند. اگر توده مردم با بینش و آگاهی خود به این نتیجه رسیده باشند که رعایت قوانین و مقررات هم به نفع خود آنها و هم به نفع جامعه است، می‌توان گفت قانون‌پذیری در جامعه فراگیر شده است. از یک سو واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه را تهدید و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می‌شود. قانون‌گریزی یک بیماری مسری است که در حال حاضر، بخش اعظمی از مردم کشور به آن مبتلا شده‌اند. نظم‌پذیری مختص اشخاصی است که حداقل نیازهای طبیعی، فرهنگی و اجتماعی‌شان تأمین شده باشد. نظم‌گریزی مترادف با قانون‌گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، عدم انجام تکلیف، گریز از مسئولیت و وصول مقصود به هر طریق ممکن است. از دیگر سو بررسی و شناخت مسائل و مشکلات اجتماعی و عوامل به وجود آورنده انحراف از قانون می‌تواند عامل پیشگیری و واپایش به حساب آید. همچنین بروز تخلفات و تخلفات منجر به تصادفات هزینه‌های انسانی و مالی سنگینی برای جامعه دارد چنانکه آمارها نشان می‌دهد که کشور ما از لحاظ بروز تخلفات رانندگی و تصادفات نسبت به کشورهای جهان سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است. طبق آخرین آمار که توسط کارشناس امر ترافیک به دست آمده، سالانه حدود ۲ درصد از تولید ناخالص ملی کشور ما در اثر تخلفات منجر به تصادفات رانندگی در جاده از بین می‌رود. حدود ۱ درصد هم در تخلفات منجر به تصادفات درون شهری مصرف می‌شود که در مجموعه ۳ درصد از تولید ناخالص ملی ما را به خود اختصاص می‌دهد؛ یعنی رقمی بالغ بر سیصد میلیارد تومان صرف آثار و تبعات ناشی از تخلفات رانندگی و تصادفات آن می‌شود (اسماعیلی و میکاییلی، ۱۳۸۹، ص ۳).

عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی توسط رانندگان و عابران پیاده باعث اختلال در نظم شهری، شد آمد و خسارت‌های ناشی از آن مثل اتلاف وقت، آلودگی‌های صوتی و غیر صوتی، ناراحتی‌های عصبی و ... و از همه مهم‌تر خسارات جانی می‌شود. به طوری که

همه ساله در بسیاری از کشورهای جهان انسان‌های زیادی به دلیل رعایت نکردن مقررات راهنمایی و رانندگی جان می‌بازند.

همچنین در این زمینه از تحقیقات تجربی انجام شده در داخل و خارج از کشور استفاده شد که نشان دهنده همخوانی بالای نتایج تحقیق با ادبیات نظری و تجربی تحقیق است. نتایج به دست آمده از مطالعه بالا نشان می‌دهد که میزان رعایت قانون‌گرایی در بین رانندگان حاشیه نشین و غیرحاشیه‌نشین بالاتر از حد متوسط است و در کل میزان قانون‌گرایی در بین رانندگان غیر حاشیه‌نشین بیشتر از رانندگان حاشیه‌نشین است. آزمون همبستگی پیرسون بین عزت نفس و اعتقادات مذهبی با میزان رعایت قانون‌گرایی حاکی از معنادار بودن این رابطه است.

با بهره‌گیری از روش رگرسیون چند متغیره به روش هم‌زمان مشاهده شد که دو متغیر عزت نفس و اعتقادات مذهبی وارد معادله شده است که در نهایت توانسته اند ۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

### پیشنهادها

بر مبنای یافته‌ها، پیشنهادهای کاربردی زیر در راستای ارتقای قانون‌گرایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف) لزوم اهتمام بیشتر نسبت به تربیت باورهای دینی و نهادینه کردن آن در بین فرزندان؛  
ب) ترویج امور دینی از سوی نهادهای دینی و مذهبی با مهارت کامل؛  
ج) تلاش در جهت افزایش عزت نفس افراد از دوران کودکی از سوی خانواده، مدارس و سایر نهادهای مرتبط.

ما حاصل کلام اینکه براساس تحقیق حاضر، باور دینی و داشتن اعتقادات مذهبی با تأثیر گذاری مثبت بر افزایش عزت نفس افراد، نقش بازدارندگی از قانون‌گریزی را در بین افراد مورد مطالعه ایفا کرده است؛ بنابراین توجه به دین و امور دینی در راستای کاهش قانون‌گریزی ضروری است.

## منابع

- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود. (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ دوم. تهران: انتشارات نشر دانش.
- بیرو. آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی. چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا. فولادیان، مجید و رضایی، حسن (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی در نظام اداری کشور با تأکید بر ادارات دولتی مشهد و تهران. فصلنامه دانش ارزیابی. سال دوم، شماره پنجم.
- حسینی، محمد علی (۱۳۸۸). بررسی وضعیت مهارت‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- ذبیحی، لیلا (۱۳۸۹). رابطه بین عزت نفس و ارتکاب جرم در بین افراد زندانی و غیر زندانی مرد. اصلاح تربیت. شماره ۵۹، بهار.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ یازدهم. تهران: انتشارات صبح صادق.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۶). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، چاپ اول. تهران: انتشارات کیهان.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ اول. تهران: انتشارات آوای نور.
- شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۰). دین، جامعه و عرفی شدن، چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۷۹). نظم‌ستیزی و قانون‌گریزی، نشریه عدالت.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت.
- علمی، محمود (۱۳۸۵). بررسی پایبندی مردم به قانون‌مداری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. دانشگاه آزاد واحد تبریز، معاونت پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.

- علیوردی‌نیا، اکبر و آرمان‌مهر، وجیهه (۱۳۸۷). فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری. نشریه علوم حرکتی و ورزشی. سال ششم، شماره دوازدهم.
- فخرايي، سيروس (۱۳۷۸). بررسی میزان قانون‌پذیری عوامل مؤثر بر آن در شهر تبریز. فرهنگي اجتماعي شوراي فرهنگ عمومي ارشاد اسلامي. سال پنجم، شماره اول.
- فکور، علی (۱۳۷۸). قانون، قانون‌گرایی و گروه‌های اجتماعی. نشریه فرهنگ عمومی. شماره بیستم.
- کلانتری، صمد. ربانی، رسول و صداقت، کامران (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال پنجم، شماره هجدهم.
- ماهروی، ابوالحسن (۱۳۸۱). حقوق و تکالیف شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان، نشریه عدالت، سال پنجم، شماره پانزدهم، بهار.
- محسنی، رضا علی (۱۳۸۴). رابطه قانون‌گرایی با کاهش جرایم. ماهنامه رادری شماره ۵۱. سال نهم، تابستان، صفحه ۹-۵.
- محققیان، ز. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، چاپ اول. تهران: انتشارات پرتوی دانش.
- محمدپور، نیر (۱۳۹۰). مطالعه جامعه‌شناسی گرایش زندانیان به عدالت‌ترمیمی عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- مهدوی، اسماعیلی و عنایتی، میرصلاح‌الدین (۱۳۸۹). بررسی اثر بخشی آموزش مسئولیت‌پذیری بر عزت نفس دانش‌آموزان مقطع تحصیلی متوسطه. یافته‌های نو در روان‌شناسی. زمستان، دوره دوم.
- نجومیان، حسین. (۱۳۶۶). قانون‌گذاری و دادرسی. چاپ دوم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- واحدی، شهرام. بدری، رحیم و مصرآبادی، جواد (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان. فصلنامه علمی و پژوهشی انتظامی. سال اول، شماره دوم، تابستان.

• هملتون، ملکم. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه ثلاثی، محسن، چاپ اول. تهران: انتشارات تبیان.

- Gwyther, H. Holland, C (2012). The effect of age gender and attitudes on self regulation in driving. accident analysis and prevention 28-45,19.